

The Impact of Grave Breaches of the Geneva Conventions on the Development of International Criminal Law: A Perspective on the Practice of International Criminal Tribunals

Amir Samavati Pirouz¹, Shahraddar Darabi², Mahdi Chegeni³, Maryam Valizadeh⁴

Abstract

Field and Aims: Grave breaches of the Geneva Conventions, as the most severe violations of humanitarian law, have been a key driver in the development of international criminal law. This study examines the impact of these violations on the formation and evolution of the international legal system, focusing on the role of international criminal tribunals in defining, criminalizing, and prosecuting such offenses.

Method: This article adopts a descriptive-analytical approach.

Findings and Conclusions: The findings indicate that the jurisprudence of tribunals such as the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), the International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR), and the International Criminal Court (ICC) has established new standards for individual and collective criminal responsibility by interpreting key concepts such as command responsibility, war crimes, and direct participation in hostilities. Landmark cases like Lubanga, Katanga, Al-Mahdi, and Dominic Ongwen confirm that grave breaches are prosecutable even in non-international armed conflicts. Furthermore, the study reveals that while international criminal law has taken significant strides toward delivering justice for victims, persistent challenges—such as weak enforcement mechanisms and political interference—remain unresolved. Strengthening international cooperation and implementing structural reforms within international criminal institutions could enhance the system's effectiveness in addressing grave violations of humanitarian law.

Keywords: Grave breaches, International Criminal Court (ICC), International criminal law, international crimes, Geneva Conventions.

*Citation (APA): Samavati Pirouz, A.; Darabi, Sh; Chegeni, M; Valizadeh, M. (2024). The Impact of Grave Breaches of the Geneva Conventions on the Development of International Criminal Law: A Perspective on the Practice of International Criminal Tribunals. *International Legal Research*, 17(66), 27-46.

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: a.samavati7@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. Email: Shahraddar.darabi@iau.ir
3. Assistant Professor, Department of Law Faculty of Humanities Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran. Email: chegeni_isu@yahoo.com
4. Ph.D. Candidate in Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Author). Email: vlizade.mrym@gmail.com



تأثیر نقض فاحش کنوانسیونهای ژنو بر توسعه حقوق کیفری بین‌المللی

با نگاهی به رویه محاکم کیفری بین‌المللی

امیر سماواتی پیروز^۱، شهرداد دارابی^۲، مهدی چگنی^۳، مریم ولی‌زاده^۴✉

چکیده

زمینه و هدف: نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو به عنوان شدیدترین تخلفات از قواعد بشردوستانه، محرک اصلی توسعه حقوق کیفری بین‌المللی بوده‌اند. این پژوهش به بررسی تأثیر این نقض‌ها بر شکل‌گیری و تحول نظام حقوقی بین‌المللی با تمرکز بر نقش محاکم کیفری بین‌المللی در تعریف، جرم‌انگاری و پیگرد این تخلفات می‌پردازد.

روش: این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که رویه قضایی محاکمی مانند دیوان‌های یوگسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی، با تفسیر مفاهیمی چون مسئولیت فرماندهی، جنایت جنگی و مشارکت فعال در درگیری‌ها، معیارهای جدیدی برای مسئولیت کیفری فردی و جمعی تعیین کرده‌اند. پرونده‌های شاخصی مانند لوبانگا، کاتانگا، المهدی و اونگون مؤید این امرند که نقض‌های فاحش حتی در درگیری‌های غیربین‌المللی قابل پیگرد هستند. همچنین، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه نظام حقوق کیفری بین‌المللی در مسیر تحقق عدالت برای قربانیان گام‌های بلندی برداشته، چالش‌هایی مانند ضعف مکانیسم‌های اجرایی و نفوذ سیاسی همچنان پابرجاست. تقویت همکاری‌های بین‌المللی و اصلاح ساختاری نهادهای کیفری بین‌المللی می‌تواند به افزایش کارایی این نظام در مقابله با نقض‌های فاحش کمک کند.

کلیدواژه‌ها: نقض فاحش، دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق کیفری بین‌المللی، جرائم بین‌المللی، کنوانسیون‌های ژنو.

* استناددهی (APA): سماواتی پیروز، امیر؛ دارابی، شهرداد؛ چگنی، مهدی و ولی‌زاده، مریم. (۱۴۰۳). تأثیر نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو بر توسعه حقوق کیفری بین‌المللی با نگاهی به رویه محاکم کیفری بین‌المللی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۷(۶۶)، ۲۷-۴۶.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: a.samavati7@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

رایانامه: Shahraddar.darabi@iau.ir

۳. دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

رایانامه: chegeni_isu@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: vlzade.mrym@gmail.com



مقدمه

در طول تاریخ، نقض فاحش کنوانسیون‌های لاهه و ژنو بارها رخ داده است. این معاهدات بین‌المللی که به منظور محدود کردن خشونت‌های جنگ و حمایت از غیرنظامیان و اسیران جنگی تدوین شده‌اند، اغلب در درگیری‌های مختلف نادیده گرفته شده‌اند.

از بمباران مناطق مسکونی و استفاده از سلاح‌های ممنوعه تا رفتار غیرانسانی با اسرا و هدف قرار دادن تأسیسات درمانی، نمونه‌های متعددی از این تخلفات وجود دارد. این نقض‌ها نه تنها قوانین بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند، بلکه پیامدهای ویرانگری برای بشریت داشته‌اند. با این حال، فقدان مکانیسم‌های اجرایی قوی و سیاست‌زدگی نهادهای بین‌المللی اغلب مانع از محاکمه جدی متخلفان شده است (فوتر و روبشتاین^۱، ۲۰۱۳: ۱۷۰-۱۶۸). کنوانسیون‌های ژنو به عنوان اسناد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، چهارچوبی جامع برای تنظیم رفتار طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه و حمایت از افراد متأثر از درگیری‌ها ارائه می‌نمایند. این مجموعه قواعد که در طول زمان توسعه یافته‌اند، استانداردهای رفتاری در شرایط جنگ را تعیین کرده و تمایز واضحی میان اقدامات مجاز و نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه ایجاد می‌کنند (بکستر^۲، ۲۰۱۷: ۵۵۰). در تقابل با این هنجارهای ماهوی، نظام حقوق کیفری بین‌المللی با تأکید بر اصل مسئولیت کیفری فردی، مکانیسم‌های نظارتی و قضایی لازم برای تعقیب و محاکمه مرتکبان نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه را فراهم می‌آورد. این تعامل دوگانه میان تدوین استانداردهای رفتاری از یک سو و ایجاد سازوکارهای اجرایی از سوی دیگر، هسته مرکزی نظام بین‌المللی حمایت از قربانیان جنگ را تشکیل می‌دهد (کلافام و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۲). با این حال، کارایی این نظام همواره تحت تأثیر چالش‌های ناشی از حاکمیت دولت‌ها و روابط قدرت در عرصه بین‌المللی قرار داشته است. به‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در توسعه حقوقی این حوزه، ضمانت‌های اجرایی آن اغلب با محدودیت‌های سیاسی مواجه شده‌اند. این تنش ذاتی میان آرمان‌های حقوق بشردوستانه و واقعیت‌های نظام بین‌المللی، موضوعی است که همچنان نیازمند بررسی و بازاندیشی جدی در جوامع علمی و محافل سیاست‌گذاری بین‌المللی می‌باشد.

وقایع تاریخی نظیر جنگ‌های جهانی و جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا، جامعه بین‌المللی را وادار به تقویت سازوکارهای پاسخگویی و تعمیق مفاهیم مسئولیت کیفری فردی نموده‌اند. این نقض‌ها نه تنها ضرورت وجود محاکم بین‌المللی را برجسته ساخته‌اند، بلکه به تدریج دامنه صلاحیت و تعاریف جرائم بین‌المللی را نیز گسترش داده‌اند (تاننوالد^۴، ۲۰۱۷: ۱).

1. Footer & Rubenstein
2. Baxter
3. Clapham et al
4. Tannenwald



در واقع، هر رویداد مهم نقض حقوق بشردوستانه، چالش‌های جدیدی را در تفسیر و اجرای قواعد موجود ایجاد کرده و نظام حقوقی را به سمت اصلاحات ساختاری سوق داده است؛ به‌عنوان مثال، شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی تا حد زیادی واکنشی به ناتوانی مکانیسم‌های پیشین در برخورد با جنایات سازمان‌یافته بوده است. با این حال، پرسش اساسی این است که چگونه نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو توانست به توسعه حقوق کیفری بین‌المللی کمک نماید؟

۱. مفهوم نقض فاحش

با آنکه توسل به زور در نظام حقوق بین‌الملل ممنوع است، اما سازوکارهای موجود امکان جلوگیری از آن را ندارد و لذا، شاهد قاعده‌مند نمودن مخاصمات مسلحانه در قالب مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق کیفری بین‌المللی هستیم. این امر پیرامون نقض‌های فاحش از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است و جرم‌انگاری آن در حقوق کیفری بین‌المللی با چالش‌هایی همراه بوده است (رضازاده، ۱۴۰۳: ۱)؛ با این حال، چه تفاوتی بین تعهدات صریح ناشی از دو رژیم قاعده‌ساز یعنی «نقض فاحش»^۱ و «نقض عادی»^۲ وجود دارد؟ (دیهم، ۱۳۸۴: ۲۹۵) در پاسخ باید گفت که همه نقض‌های قوانین جنگ به یک شکل مجازات نمی‌شوند. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی اول، دسته‌ای ویژه از تخلفات را مشخص کرده‌اند- نقض‌های فاحش که شامل موارد بسیار شدید بوده و کشورها را موظف به پیگرد قانونی آن‌ها می‌کند. کشورهای امضاکننده باید این نقض‌های بنیادین را بر پایه اصل «صلاحیت همگانی»^۳ مورد پیگرد قرار دهند. این تخلفات، همراه با دیگر موارد جدی نقض قوانین بشردوستانه، به‌عنوان جنایت جنگی شناخته می‌شوند (چیگوزی ازه، ۲۰۲۳: ۲۱). در واقع، نقض فاحش در حقوق بین‌الملل به اقداماتی اشاره دارد که به‌طور جدی و سیستماتیک، تعهدات اساسی دولتها را زیر پا می‌گذارند و نظم حقوقی بین‌المللی را تهدید می‌کنند. این مفهوم اغلب در ارتباط با نقض قواعد آمره مانند ممنوعیت نسل‌کشی، شکنجه یا تجاوز نظامی مطرح می‌شود. برخلاف نقض‌های عادی، نقض فاحش می‌تواند تبعات شدیدتری مانند مسئولیت بین‌المللی دولت، تحریم‌ها یا حتی مداخله جامعه جهانی را به دنبال داشته باشد. تمایز کلیدی این نقض در شدت، گستردگی و تأثیر آن بر ارزش‌های انسانی و صلح بین‌المللی است که نیازمند تحلیل دقیق در رویه قضایی و دکترین حقوقی می‌باشد.

کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات، معاهده‌ای بنیادین است که حقوق و تعهداتی را که دولتها در انعقاد و اجرای معاهدات برعهده می‌گیرند، مشخص می‌کند. با این حال، برخی از مقررات این کنوانسیون همچنان مورد اختلاف در ماده ۵۳ کنوانسیون وین درباره قواعد آمره^۵ میان

1. Grave Breach
2. Violation
3. Universal jurisdiction
4. Chigozie Ezeh
5. Jus cogens

حقوقدانان است. یکی از این موارد، تعریف حقوقی قواعد آمره حقوق معاهدات است. جامعه بین‌المللی، به ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، برای دستیابی به اجماع در مورد قواعد آمره تلاش‌های فراوانی به کار گرفته است. با این وجود، تعریف حقوقی قواعد آمره هنوز در میان کشورها و حقوقدانان بین‌المللی مورد تفسیرهای گوناگون قرار می‌گیرد (پک و همکاران، ۲۰۲۲: ۱). لذا، در حقوق بین‌الملل، قواعد آمره به اصولی پایدار و جهانشمول اشاره دارد که هیچ کشوری نمی‌تواند از پذیرش آنها سر باز زند. نقض آشکار حقوق بشردوستانه - مانند کشتارهای جمعی، آزار افراد یا حمله عمدی به مردم بی‌گناه - نه تنها پیمانهای جهانی را نقض می‌کند، بلکه مستقیماً این قواعد بنیادین را نادیده می‌گیرد. بر این مبنا، قواعد آمره چارچوبی اخلاقی و حقوقی می‌سازند که هرگونه تجاوز بزرگ به حقوق انسانها را به عنوان جرمی در برابر جامعه جهانی می‌شناسد. از این رو، هنگامی که دولتی مرتکب چنین نقض فاحشی می‌شود، نه تنها قوانین داخلی یا پیمانها، بلکه بنیان نظم حقوقی جهانی را ویران می‌کند. در چنین شرایطی، مجازات این اقدامات نه یک گزینه، بلکه ضرورتی برای حفاظت از شأن انسانی و حاکمیت قانون است.

۲. نقض فاحش از کنوانسیون‌های لاهه تا کنوانسیون‌های ژنو

حقوق بشردوستانه و یا به تعبیری، حقوق مخاصمات مسلحانه، در مفهوم سنتی خود شاخه‌ای از حقوق جنگ است که ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی با هدف مهار خشونت و کاهش آلام بشری، صیانت از حقوق قربانیان و غیرنظامیان و اعمال محدودیت‌های نظامی در شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده در مخاصمات است (نمایان و عیسیان، ۱۴۰۳: ۳۴). حقوق بشردوستانه دارای منابع گوناگونی است و اساساً دارای ریشه‌های عرفی می‌باشد، اما سابقه تدوین و جمع‌آوری قواعد آن به قرن هفدهم بازمی‌گردد. منابع حقوق بشردوستانه به‌طور کامل جدا و مستقل از منابع حقوق بین‌الملل نیستند، مخصوصاً منابعی چون قواعد آمره، عرف، معاهدات و اصول کلی حقوقی جایگاه ویژه‌ای در حقوق بشردوستانه دارند. البته، نمی‌توان نقش دکترین و رویه قضایی بین‌المللی از جمله آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و آراء دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی را از نظر دور داشت (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۳۰). با این حال، برای منابع حقوق بشردوستانه در حوزه معاهدات، دو منبع مهم، یعنی کنوانسیون‌های لاهه و کنوانسیون‌های ژنو، مقرراتی را برای مخاصمات مسلحانه و وضعیت جنگ تدوین نموده‌اند. این مقررات سرآغازی بود برای شکل‌گیری رفتارها در هنگام مخاصمات مسلحانه که کم‌کم سنگ‌بنای جرم‌انگاری این رفتارها در آینده پی‌ریزی شد.



حقوق بین‌الملل در طول تاریخ بیشتر به تنظیم جنگ‌های بین کشورها پرداخته تا درگیری‌های داخلی. مقررات مربوط به جنایات بزرگ در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی آن، که به نقض قواعد خاص جنگ‌های بین‌المللی می‌پردازد، به ظاهر ارتباطی با جنگ‌های داخلی ندارد (میسور^۱، ۲۰۰۹: ۷۶۳).

به لحاظ تاریخی، بسیاری از عهدنامه‌های ژنو از عهدنامه‌های لاهه ریشه گرفته است؛ این امر به ویژه در مورد عهدنامه ژنو درباره بهبود وضع بیماران، مجروحان و کشتی شکستگان نیروی‌های مسلح در دریا صدق می‌کند (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). نکته مهم در مورد کنوانسیون لاهه این است که عدم رعایت مقررات کنوانسیون لاهه مقابله به مثل لذا، در صورتی که دولتی به تعهدات خود پیرامون کنوانسیون لاهه عمل نمی‌نمود، دولت مقابل نیز همان رفتار در واکنش انجام می‌داد؛ اما آنچه کنوانسیون ژنو را از لاهه متفاوت نمود، ضمانت عدم اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون ژنو بود که در قالب نقض‌های فاحش جرم‌انگاری شد و بنیان حقوق کیفری بین‌المللی را بنا نهاد (زیری^۲، ۲۰۱۸: ۶). یکی از دلایل توجه به نقض‌های فاحش این بود که به رغم اعتراض و محکومیت‌های اقدامات مقابله به مثل مسلحانه در دکتین، اسناد، قواعد عرفی و مراکز جهانی، باید پذیرفت که رویه عملی موافق با اقدامات مقابله به مثل مسلحانه باقی مانده و کشورها به رد دکتین حق صیانت تن در داده‌اند (ضیایی بیگدلی، منبع پیشین: ۷۸). نکته دیگر این است که در اسناد مربوط به جنایات جنگی، دو عبارت «خشونت‌های جدی^۳» و «نقض‌های شدید^۴» بارها به کار می‌روند. با این حال، وقتی به کاربرد این عبارات در قوانین و پیمانهای بین‌المللی نگاه می‌کنیم، پرسش‌هایی پیش می‌آید. چرا برای نمونه در ماده ۹۰ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیونهای ژنو، از عبارت «تجاوز بزرگ... یا هر نقض شدید دیگر» استفاده شده است؟ آیا نویسندگان این سند قصد داشته‌اند میان این دو تفاوتی قائل شوند؟ یا تنها برای تنوع از دو عبارت مختلف بهره برده‌اند؟ پاسخ روشنی به این پرسش وجود ندارد، اما همین کاربرد دوگانه نشان می‌دهد که شاید تفاوتی ظریف - هرچند نامشخص - بین آنها در نظر بوده است. شاید «خشونت‌های جدی» به موارد خاص و از پیش تعریف شده‌ای اشاره دارد، در حالی که «نقض‌های فاحش» دامنه وسیعتری از تخلف‌ها را در برمی‌گیرد (بلنک^۵، ۲۰۱۱: ۲۱۱-۲۰۹). بر این اساس، می‌توان گفت حقوق بشردوستانه تلاش می‌کند تا با وضع قوانین، خشونت‌های جنگ را محدود و از غیرنظامیان محافظت کند. کنوانسیون‌های لاهه و ژنو پایه‌های اصلی این حقوق هستند، اما چالش‌هایی مانند تفاسیر متفاوت از

1. Moir
2. Zyberi
3. serious violations
4. Grave breaches
5. Blank

مفاهیم حقوقی و اجرای ناقص مقررات همچنان وجود دارد. با این حال، جرم‌انگاری نقض‌های فاحش در حقوق بین‌الملل گام مهمی در جهت مسئولیت‌پذیری عاملان جنایات جنگی بوده است.

۳. جرم‌انگاری نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو

یکی از پیامدهای گاه‌به‌گاه تحلیل جنایات جنگی، مناقشه‌ای است که حول درک و کاربرد اصطلاح «نقض‌های فاحش»^۱ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ درباره قوانین و عرف‌های جنگ به وجود می‌آید. مفهوم «نقض‌های فاحش» در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ تحت عنوان «سرکوب سوءاستفاده‌ها و تخلفات» از کنوانسیون‌ها معرفی شد.

این مفهوم با ماده ۴۹ کنوانسیون اول آغاز می‌شود که مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند هرگونه قانونگذاری لازم را به منظور اعمال مجازات‌های کیفری مؤثر برای افرادی که مرتکب یا دستور ارتکاب هر یک از نقض‌های شدید این کنوانسیون را می‌دهند - که در ماده بعد تعریف شده‌اند - وضع کنند.» در ادامه، مقرر می‌دارد: «هر دولت عضو متعهد است که اشخاصی را که متهم به ارتکاب یا دستور دادن به ارتکاب چنین نقض‌های فاحشی هستند، تحت پیگرد قرار دهد و آن‌ها را صرف نظر از ملیتشان، در دادگاه‌های خود محاکمه کند. همچنین، در صورت تمایل و مطابق با مقررات قوانین داخلی خود می‌تواند این افراد را برای محاکمه به یکی دیگر از دولت‌های عضو مرتبط تسلیم کند، مشروط بر اینکه آن دولت عضو دلیل اولیه‌ای کافی برای اتهام ارائه داده باشد.»

این مقرر با عباراتی کاملاً یکسان در ماده ۵۰ کنوانسیون دوم، ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم تکرار شده است. هدف اعلام شده از این مقرر مشترک، «سرکوب سوءاستفاده‌ها و تخلفات»^۲ از کنوانسیون‌های ژنو بود. دو روش اصلی که برای دستیابی به این هدف به کار گرفته شد، عبارت بودند از: الف- الزام دولت‌های عضو (از طریق تعهداتشان) به جرم‌شمردن این سوءاستفاده‌ها و تخلفات در قوانین کیفری داخلی خود؛ ب- مکلف کردن دولت‌های عضو به تعقیب و پیگرد متهمان در قلمرو خود تحت صلاحیت جهانی مشروط یا استرداد مرتکبان به سایر دولت‌های عضو که پیوند حقوقی کافی با نقض‌های صورت گرفته دارند.

پس از الزام دولتها به انجام این اقدامات به منظور سرکوب سوءاستفاده‌ها یا تخلفات کنوانسیون‌های ژنو، لازم بود تعریف مشخصی از انواع سوءاستفاده‌ها یا تخلفات مورد نظر ارائه شود. این تعریف که در ماده ۵۰ کنوانسیون اول است، به شرح زیر آمده است: «نقض‌های فاحش مورد اشاره در ماده قبل شامل هر یک از اعمال زیر خواهد بود، در صورتی که علیه افراد یا اموال تحت حمایت کنوانسیون ارتکاب یابد: قتل عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی، از جمله آزمایشهای

1. Grave Breaches
2. abuses and infractions



بیولوژیکی، وارد کردن عمدی رنج شدید یا صدمه جدی به بدن یا سلامت افراد، تخریب و مصادره گسترده اموال، در مواردی که توجیه نظامی نداشته و به صورت غیرقانونی و خودسرانه انجام شده باشد.»

در حقوق بین‌المللی کیفری، تمایز میان خشونت‌های عادی و نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو از حیث شدت، سیستماتیک بودن و تأثیر بر نظم بین‌المللی حائز اهمیت است. خشونت معمولی ممکن است شامل جرم‌های فردی یا درگیری‌های محدود باشد که لزوماً خطری برای صلح جهانی به شمار نمی‌روند؛ اما نقض‌های فاحش به اقدامات سازمان‌یافته و گسترده‌ای اشاره دارد که عمداً قوانین بشردوستانه بین‌المللی را نقض می‌کنند، مانند جنایات جنگی، کشتار جمعی یا جنایات علیه انسانی (اوبرگ^۱، ۲۰۰۹: ۱۶۷-۱۶۵). نقش‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو به‌ویژه به دلیل صلاحیت جهانی از خشونت‌های معمولی جدا می‌شوند؛ یعنی همه کشورها موظف هستند این جنایات را پیگیری کنند، حتی اگر در خاک آنها اتفاق نیفتاده باشد. این قاعده در مواد مشخصی از چهار کنوانسیون ژنو آمده و پایه‌ای برای پیشرفت حقوق کیفری بین‌المللی، از جمله تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی شده است. در مقابل، خشونت‌های معمولی معمولاً در چارچوب قوانین داخلی یا روش‌های دوجانبه بررسی می‌شوند (یانگ^۲، ۲۰۱۵: ۳۴۵). به طور کلی، تفاوت اصلی در اندازه، قصد و تأثیر جهانی این اقدامات است. تخلف‌های شدید به‌عنوان جنایات‌هایی که وجدان بشریت را می‌آزارند، نقشی کلیدی در ایجاد معیارهای کیفری بین‌المللی داشته‌اند. در واقع، تفاوت اصلی در مقیاس گسترده، قصد سازمان‌یافته و تأثیر عمیق جهانی این اقدامات نهفته است. نقض‌های فاحش نه تنها به دلیل شدت خشونت، بلکه به خاطر هدف قراردادن غیرنظامیان و نقض سیستماتیک اصول انسانی از خشونت‌های معمولی متمایز می‌شوند. این جنایات چنان فجیع هستند که مرزهای ملی را درنوردیده و جامعه بین‌المللی را به واکنش جمعی وادار می‌کنند.

۴. نقض‌های فاحش در رویه محاکم کیفری بین‌المللی

نقض‌های فاحش در رویه محاکم کیفری بین‌المللی به عنوان جرایمی با شدت و گستردگی بالا مورد توجه قرار گرفته‌اند. دیوان‌هایی مانند دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا با بررسی پرونده‌های مختلف، مبنای مسئولیت کیفری فردی را حتی در درگیری‌های داخلی تثبیت کردند. دیوان کیفری بین‌المللی نیز با پرونده‌های شاخصی مانند لوبانگا و کاتانگا، تفسیرهای نوینی از مفاهیم حقوق بشردوستانه ارائه داده و معیارهای جدیدی برای پیگرد این نقض‌ها ایجاد نموده است. بر این اساس، در این بخش، به منظور شناخت بیشتر پیرامون نقض‌های فاحش و نقش رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی در توسعه حقوق بین‌الملل کیفری، به مطالعه آن‌ها می‌پردازیم.

1. Oberg
2. Yang

۱-۴. نقض‌های فاحش در رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق به عنوان یکی از نخستین نهادهای قضایی بین‌المللی در دوران معاصر، نقش بسزایی در تحول نظام عدالت کیفری جهانی ایفا نموده است. تأسیس این نهاد قضایی در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی، نقطه عطفی در تاریخ حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که بازتابی از عزم جامعه جهانی برای مقابله با بی‌کیفری در قبال جرائم بین‌المللی بود. عملکرد این دیوان نه تنها در بُعد قضایی، بلکه در ابعاد حقوقی، سیاسی و اجتماعی نیز تأثیرات عمیقی بر جای نهاد و الگویی برای نهادهای مشابه پس از خود شد. رویه‌های قضایی و آرای صادره از سوی این دیوان، سهم قابل توجهی در توسعه و تثبیت مفاهیم بنیادین حقوق بین‌الملل کیفری داشته است.

مخاصمات مسلحانه در قلمرو یوگسلاوی سابق علیه مسلمانان بوسنی، یکی از بزرگترین مخاصمات مسلحانه در اروپا پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد که از سال ۱۹۹۱ آغاز شد. این اتفاق منجر به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق طی قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ برای رسیدگی به موارد نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه گردید (رضوانی، ۱۴۰۲: ۵). شورای امنیت سازمان ملل متحد، طی قطعنامه شماره ۸۲۷ مورخ ۲۵ مه ۱۹۹۳ به منظور تعقیب و مجازات جنایات جنگی جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی (ژنوساید) در یوگسلاوی سابق از آغاز سال ۱۹۹۱، به ایجاد دیوان کیفری بین‌الملل اقدام کرد (سیدی، ۱۳۷۳: ۳۵۳). بر این اساس، موارد متعددی توسط دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق مورد بررسی قرار گرفت که در آن، دادگاه به موضوع نقض‌های فاحش اشاره نمود.

یکی از پرونده‌ها مربوط است به دوشکو تادیچ^۱ که موضوع نقض‌های فاحش در آن مورد توجه دادگاه قرار گرفت. پس از تسلط بر منطقه پرییدور^۲ (بوسنی و هرزگوین) و حمله به شهر کوزاراک^۳ (بوسنی و هرزگوین) در سال ۱۹۹۲، غیرنظامیان غیرصرب در چندین مرکز بازداشتگاهی زندانی شدند؛ جایی که مورد ضرب و شتم، آزار جنسی، شکنجه، کشتار و سایر بدرفتاریها قرار گرفتند. دوشکو تادیچ، رئیس شورای محلی حزب دموکرات صرب، در کوزاراک (بوسنی و هرزگوین) بود. دادگاه دوم تادیچ را به دلیل ارتکاب جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی گناهکار شناخت و در حکمی جداگانه، او را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد. دادگاه تجدیدنظر او را در جرائم بیشتری گناهکار دانست و موضوع تعیین مجازات را به یک دادگاه بدوی ارجاع داد. دادگاه دوم مکرر، آگاهی و حمایت فعال تادیچ از حملات علیه غیرنظامیان غیرصرب در پرییدور را از عوامل تشدیدکننده مجازات تشخیص داد. این دادگاه

1. Duško Tadić
2. Prijedor
3. Kozarac



همچنین، رفتار خوب تادیب در بازداشتگاه سازمان ملل و شرایط شخصی او را از عوامل تخفیف‌دهنده مجازات برشمرد. علاوه بر این، دادگاه دوم مکرر اعلام کرد که جنایت علیه بشریت به دلیل گستردگی و سیستماتیک بودن و حجم جنایات ارتكابی، از جنایت جنگی شدیدتر است.^۱ این اولین پرونده مهم در زمینه نقش فاحش است که در آن، تادیب به نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای ژنو (رفتار غیرانسانی با غیرنظامیان) متهم شد. این رأی موجب توسعه مفهوم مسئولیت فردی در نقضهای فاحش شد و تأییدی بود بر اینکه حقوق بشردوستانه در جنگهای غیربین‌المللی نیز اعمال می‌شود و این نقطه عطف توسعه حقوق بین‌الملل کیفری بود.

پرونده دیگر مربوط است به کرسٹیچ^۲ که دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق آن را مورد بررسی قرارداد و پیرامون نقض فاحش رأی صادر نمود. دیوان تجدیدنظر دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق رسیدگی به متهمان نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین‌المللی در قلمرو یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱، دو درخواست تجدیدنظر از رأی کتبی صادره در دوم اوت ۲۰۰۱ در پرونده دادستان علیه رادیسلاو کرسٹیچ را مورد رسیدگی قرار داده است. دیوان پس از بررسی مستندات کتبی و شفاهی ارائه‌شده از سوی دادستان و دفاع، اینک رأی خود را صادر نمود. رادیسلاو کرسٹیچ، فرمانده نظامی صرب بوسنی در جریان جنگ بوسنی، به دلیل نقش وی در جنایات سربرنیتسا (۱۹۹۵) مورد تعقیب قرار گرفت. در این پرونده، دیوان او را به جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی محکوم کرد. اتهام اصلی: مشارکت در قتل عام بیش از ۸۰۰۰ مرد و پسر مسلمان بوسنیایی در سربرنیتسا، که به عنوان یکی از فجیع‌ترین نقض‌های حقوق بشردوستانه در اروپا پس از جنگ جهانی دوم شناخته می‌شود. دیوان تأکید کرد که اقدامات کرسٹیچ نقض فاحش کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۲: حمایت از غیرنظامیان) و پروتکل الحاقی اول بود، زیرا شامل قتل عمد، رفتار غیرانسانی و اخراج اجباری غیرنظامیان می‌شود. کرسٹیچ در سال ۲۰۰۱ به ۳۵ سال حبس محکوم شد (این حکم بعداً در تجدیدنظر به ۴۶ سال افزایش یافت).^۳ رأی کرسٹیچ نمونه بارزی از تأثیر نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو بر توسعه حقوق کیفری بین‌المللی است. این رأی از نظر جرم‌انگاری نقض‌های فاحش به عنوان جنایت جنگی و نسل‌کشی، تثبیت مسئولیت فرماندهان و ایجاد معیارهای جدید برای تعریف خشونت‌های سیستماتیک علیه غیرنظامیان دارای اهمیت است و همچنین، این تحولات نقش بسزایی در شکل‌گیری نظام نوین حقوق کیفری بین‌المللی داشته‌اند.

1. The Prosecutor v. Duško Tadić, ICTY Report, International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY) Trial Chamber II

2. Krstic

3. Prosecutor v. Radislav Krstić, ICTY REP, Judgment, <https://www.icty.org/x/cases/krstic/acjug/en/>

۲-۴. نقض‌های فاحش در روبه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا

درگیری‌های قومی در کشور رواندا در سال ۱۹۹۴ میلادی، به کشتار و قتل عام صدها هزار نفر منجر گردید. شورای امنیت سازمان ملل متحد همانند اقدام خود در برابر نسل‌کشی در یوگسلاوی سابق، با تصویب قطعنامه ۹۵۵، مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴، بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، دادگاه ویژه‌ای را برای تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین به کشتار جمعی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تأسیس نمود (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۳۶). این دادگاه نیز مانند دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، از ارکان فرعی شورای امنیت محسوب می‌شود. هر دو دارای دادستانی واحد هستند. قضات شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی، قضات در شعبه تجدیدنظر دادگاه رواندا را نیز برعهده دارند. این دادگاه دارای سه شعبه بدوی و یک شعبه تجدیدنظر است. شعب دادگاه از شانزده قاضی از اتباع کشورهای مختلف تشکیل می‌شود (یاقوتی و بهلولی، ۱۳۹۸: ۱۴).

یکی از پرونده‌هایی که دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا پیرامون نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو به آن پرداخت، پرونده آکایسو^۱ می‌باشد. متهم، ژان-پل آکایسو، شهردار منطقه تابا در رواندا بود. در ۲ سپتامبر ۱۹۹۸، دادگاه نخستین این دیوان، وی را در ۹ مورد از ۱۵ اتهام شامل نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و نقض کنوانسیون‌های ژنو گناهکار شناخت. این پرونده، اولین محاکمه در دیوان بین‌المللی کیفری بود که به محکومیت یک فرد به اتهام نسل‌زدایی منجر شد. همچنین، این اولین بار بود که یک دادگاه بین‌المللی اعلام کرد تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی می‌تواند مصداق نسل‌زدایی باشد. آکایسو نسبت به محکومیت‌ها و مجازات تعیین‌شده (حبس ابد) درخواست تجدیدنظر کرد. دلیل اصلی درخواست تجدیدنظر وی این بود که وکیل منتخب خود را در اختیار نداشته است. دادستان نیز چهار دلیل برای درخواست تجدیدنظر ارائه کرد.^۲ دیوان تجدیدنظر پس از بررسی کلیه استدلال‌های ارائه‌شده توسط متهم، به این نتیجه رسید که متهم نتوانسته است اثبات کند دادگاه بدوی مرتکب اشتباهات حقوقی یا واقعی ادعا شده توسط وی شده است. بر این اساس، دیوان دلایل تجدیدنظرخواهی متهم را رد کرد (بند ۴۲۳ رأی).

در مورد دو دلیل اول دادستان برای درخواست تجدیدنظر، دیوان تجدیدنظر تشخیص داد که دادگاه بدوی در محدود کردن قلمرو اعمال ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو به دسته خاصی از افراد مرتکب اشتباه شده است. با توجه به پذیرش دلیل اول دادستان، دیوان بررسی دلیل جایگزین دادستان را ضروری ندانست (بندهای ۴۴۵-۴۴۶). در ارتباط با دلیل سوم دادستان، دیوان

1. Akayesu

2. The Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, International Criminal Tribunal for Rwanda (Appeals Chamber), Tanzania, Judgment, <https://www.internationalcrimesdatabase.org/Case/50/Akayesu/>



تجدید نظر تصریح کرد که ماده ۳ اساسنامه دیوان مقرر نمی‌دارد که تمام جنایات علیه بشریت مذکور در آن باید با قصد تبعیض آمیز ارتکاب یابند. این ماده صلاحیت دیوان را به جنایاتی محدود می‌کند که «به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی» با انگیزه‌های تبعیض آمیز انجام شده باشد (بند ۴۶۹ رأی). بر این مبنای، می‌توان گفت که پرونده ژان-پل آکایسو که توسط دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا مورد رسیدگی قرار گرفت، نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌المللی کیفری ایفا کرد. این پرونده به طور خاص بر نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو در مخاصمات غیر بین‌المللی تمرکز داشت و تأکید کرد که ماده ۳ مشترک این کنوانسیون‌ها در جریان نسل‌کشی رواندا نقض شده است. دیوان در این رأی تاریخی برای نخستین بار تجاوز جنسی را به عنوان یکی از مصادیق نسل‌کشی به رسمیت شناخت و آن را جرمی بین‌المللی محسوب کرد. همچنین، این پرونده با توسعه مفهوم مسئولیت کیفری فرماندهان و مقامات دولتی، حتی در مواردی که مستقیماً در ارتکاب جرائم مشارکت نداشته‌اند، مبنای مهمی برای تحول حقوق کیفری بین‌المللی ایجاد نمود. رأی آکایسو با تثبیت این اصول که جنایات جنگی می‌تواند در درگیری‌های داخلی نیز اتفاق بیفتد و اینکه رفتارهای غیر انسانی مانند تجاوز جنسی می‌تواند مصداق نسل‌کشی باشد، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری نظام نوین حقوق بین‌المللی کیفری گذاشت و راه را برای تعقیب کیفری این گونه جرائم در آینده هموار ساخت.

۳-۴. نقض‌های فاحش در روبه دیوان کیفری بین‌المللی

ایده تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری را می‌توان یک ایده تحول‌گرا و توسعه‌بخش در حوزه حقوق بین‌الملل دانست. پس از محاکمات نورمبرگ، تدوین و پذیرش اساسنامه رم یک سند مهم در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری قلمداد می‌شود. این سند، برخلاف اسناد مؤسس دادگاه‌های اختصاصی، یک معاهده بین‌المللی است. از این رو، تابع مقررات حقوق بین‌الملل معاهده‌ای و عرفی در زمینه معاهدات بین‌المللی می‌باشد (سلیمی، شاملو و فرهادی، ۱۴۰۲: ۴۱). دیوان کیفری بین‌المللی ساختار نوینی را برای تعقیب مرتکبین جرائم مهم بین‌المللی به وجود آورده است. نحوه شروع به تحقیق و تعقیب جنایات از مسائل مهم اساسنامه دیوان است. به موجب مفاد اساسنامه در مورد شروع به تعقیب، جهات سه‌گانه «ارجاع توسط کشورهای عضو»، «ارجاع توسط شورای امنیت» و «ابتکار دادستان» مقرر شده است. در این خصوص، نظام دادرسی دیوان به گونه‌ای طراحی شده است که با حذف مرحله بازپرسی، وظیفه تحقیق نیز در کنار امر تعقیب برعهده دادستان قرار گرفته است که وظایف خود را تحت نظارت شعبه مقدماتی انجام می‌دهد (تختائی نژاد، ۱۴۰۱: ۹۳۶). نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه یکی از موارد صلاحیت موضوعی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است. علی‌رغم عدم اشاره به حقوق بشر در اسناد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، اما در اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی با تأثیرات متعدد حقوق بشر و حقوق

بین‌الملل بشردوستانه بر یکدیگر مواجه می‌شویم (سلیمی، شیری و رستم زاد، ۱۴۰۳: ۱۱۷). دیوان بین‌المللی کیفری به موجب اساسنامه خود، صلاحیت موضوعی مشخصی نسبت به چهار جنایت اصلی بین‌المللی دارد. این جنایات، مهم‌ترین جنایاتی هستند که نگرانی عمده جامعه جهانی می‌باشند (نژندی منش، زحمتکش و حسینی آزاد، ۱۳۹۹: ۲۴۳). ماده ۵ اساسنامه دیوان صلاحیت دیوان را رسیدگی به چهار جرم نسل‌کشی، جرائم ضد بشریت، جرائم جنگی و تجاوز عنوان نموده است. موارد ۹ گانه‌ای که در کنوانسیون‌های ژنو ذکر شد، عیناً در بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است. برای اینکه جرائم ذکر شده نقض فاحش تلقی شوند، باید علیه اشخاص یا اموال تحت حمایت که مورد حمایت کنوانسیون‌های مربوط می‌باشند، رخ داده باشد. ماده ۳ مشترک چهار کنوانسیون به صراحت نقض‌های پیش‌بینی شده در آنها را جنایات جنگی نمی‌شمرد، اما متخصصان این رشته از حقوق آنها را جنایت جنگی تلقی کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های مهم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از منظر صلاحیت، اصل صلاحیت تکمیلی است. به موجب این اصل که اولویت رسیدگی با دولتهای ملی صلاحیتدار است، دیوان تنها زمانی می‌تواند اعمال صلاحیت کند که این دولتها توان رسیدگی به جرائم بین‌المللی را نداشته باشند یا در صورت امکان رسیدگی، اقدامی در این خصوص انجام ندهند یا تمایل انجام این امر مهم را نداشته باشند (رئسی، ۱۳۹۸: ۴۲۴). یکی از پرونده‌هایی که در دیوان کیفری بین‌المللی پیرامون نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو مورد رسیدگی قرار گرفت، مربوط بود به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو و اتهامات توماس لوبانگو^۱ که در نهایت، دیوان توماس لوبانگو را محکوم نمود.

در ماه مارچ ۲۰۱۲، شعبه مقدماتی، توماس لوبانگا را به اتهام ربودن دختران و پسران زیر پانزده سال برای جنگ در منطقه ایتوری در جمهوری دموکراتیک کنگو گناهکار شناخت. در طول درگیریها، لوبانگا و نیروهای تحت امرش کودکان را از مدارس و روستاها ربوده و برای جنگ به استخدام خود در آوردند. بر این مبنای، توماس لوبانگا به اتهام استفاده از کودکان برای مشارکت فعالانه در درگیریها (کودک سرباز)، مقصر شناخته شد؛ همچنین، به اتهام بکارگیری کودکان برای کشتن و خدمت به نیروهای نظامی به عنوان برده جنسی نیز گناهکار شناخته شده و در مجموع، به ۱۴ سال زندان محکوم گردید (سبحانی، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

دیوان مقرر نمود که متهم و همدستانش در یک طرح مشترک توافق و مشارکت کردند که هدف آن، تشکیل یک ارتش برای برقراری و حفظ کنترل سیاسی و نظامی بر منطقه ایتوری بود. در نتیجه، اجرای این طرح مشترک، پسران و دختران زیر ۱۵ سال بین تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۰۲ تا ۱۳ اوت ۲۰۰۳ به اجبار به عضویت گروه‌های اتحادیه میهن پرستان کنگو^۲ و نیروهای میهن پرست برای

1. Thomas Lubanga Dyilo
2. Union des Patriotes Congolais



آزادی کنگو^۱ در آمدند. بسیاری از شاهدان موثق گزارش داده‌اند که کودکان زیر پانزده سال یا با اجبار یا به ظاهر با میل خود به این گروه می‌پیوستند و سپس، به مقر اصلی آن در شهر بونیا یا اردوگاههای آموزشی نظامی مانند رومپارا، ماندرو و مونگبوالو فرستاده می‌شدند. فیلم‌های موجود به روشنی حضور نوجوانان زیر پانزده سال را در اردوگاه رومپارا ثابت می‌کند. بر این اساس، دیوان به این نتیجه رسیده است که اقدامات توماس لوبانگا، در مجموع، نقشی اساسی در اجرای طرح مشترکی داشت که منجر به جذب و ثبت نام دختران و پسران زیر ۱۵ سال در گروه‌های اتحادیه میهن پرستان کنگو و نیروهای میهن پرست برای آزادی کنگو و استفاده از آنها برای مشارکت فعال در درگیری‌های نظامی شد.^۲ در این پرونده، دیوان با استناد به قواعد عرفی بشردوستانه، حتی فعالیت‌های غیرمستقیم مانند استفاده از کودکان برای محافظت شخصی یا پشتیبانی لجستیکی را نیز جنایت محسوب کرد. این رأی مسئولیت کیفری فرماندهان و رهبران سیاسی را که مستقیماً در صحنه نبرد حاضر نبودند، اما در طراحی و اجرای سیاست‌های نقض آمیز نقش داشتند، تثبیت نمود. همچنین، دیوان با تفسیر گسترده‌ای از مفهوم مشارکت فعال در درگیری‌ها، هرگونه به کارگیری کودکان در زنجیره عملیات نظامی را نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو دانست. این پرونده از نظر حمایت از قربانیان کودک نیز پیشگام بود و مکانیسم‌های دادرسی ویژه‌ای برای جلوگیری از آسیب روانی مجدد به آنان ایجاد کرد. رأی لوبانگا با تقویت پیوند میان حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری بین‌المللی، الگویی برای رسیدگی به جنایات مشابه در آینده شد و نشان داد که نقض فاحش قواعد جنگ می‌تواند به مسئولیت کیفری بین‌المللی حتی در درگیری‌های داخلی منجر شود.

در پرونده دیگری به نام ژرمن کاتانگا^۳، دیوان با تمرکز بر نقض فاحش به توسعه حقوق کیفری بین‌المللی پرداخت. در این پرونده که مربوط به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو می‌باشد و حملات علیه غیرنظامیان و تخریب گسترده مورد توجه قرار گرفت.

در ماه مارچ ۲۰۱۴، ژرمن کاتانگا توسط شعبه مقدماتی محکوم گردید. اتهامات کاتانگا شامل مشارکت در جنایت جنگی در حمله علیه جمعیت غیرنظامی، غارتگری، تخریب اموال عمومی و همچنین، قتل به عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت بود. دادگاه در ۲۳ می ۲۰۱۴، با اکثریت آراء، وی را به ۱۲ سال زندان محکوم نمود (سبحانی، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

دیوان با استناد به ماده ۲۵(۳)(د) اساسنامه رم که معاونت در جرم را شامل هرگونه مشارکت مؤثر در ارتکاب جنایت توسط گروهی با هدف مشترک می‌داند، نحوه اتهام ژرمن کاتانگا را که در ابتدا به عنوان مباشر اصلی تحت تعقیب بود، تعدیل نمود و در نهایت، وی را به عنوان معاون در

1. Forces Patriotiques pour la Libération du Congo

2. Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, ICC REP, Appeal judgement, Situation in the Democratic Republic of the Congo

3. Germain Katanga

ارتکاب جنایات متعددی محکوم کرد. این جنایات شامل قتل به عنوان جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، هدایت حملات علیه غیرنظامیان و افرادی که مستقیماً در درگیری‌ها مشارکت نداشتند، تخریب اموال دشمن و نیز غارتگری بود که همگی تحت عنوان جنایات جنگی مورد حکم قرار گرفتند. دیوان در رأی خود تأکید نمود که اقدامات کاتانگا نقشی اساسی در اجرای طرح مشترک گروه متبوعش داشته که منجر به ارتکاب این جنایات شده است.^۱ در خصوص این پرونده باید گفت که دیوان در این پرونده به جنایات گسترده از جمله قتل عام غیرنظامیان، تخریب اموال و خشونت‌های جنسی در جمهوری دموکراتیک کنگو پرداخت و برای نخستین بار مسئولیت کیفری فردی را در مواردی که متهم مستقیماً مرتکب جنایت نشده بود، اما نقش تعیین‌کننده در طراحی و اجرای عملیات جنایی داشت، مورد تأکید قرار داد. دیوان با تفسیر ماده ۲۵ اساسنامه رم، مسئولیت کیفری کاتانگا را به عنوان معاون جنایت تثبیت کرد و نشان داد که مشارکت غیرمستقیم در جنایات بین‌المللی نیز می‌تواند منجر به محکومیت شود. این رأی با توسعه مفهوم مسئولیت فرماندهی و تقویت حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه، معیارهای جدیدی برای تفسیر نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ایجاد کرد و الگویی برای پرونده‌های بعدی شد.

پرونده دیگر مربوط است به احمد الفقی المهدی^۲ و این متهم که به عنوان عضو ادعایی گروه «أنصارالدین»^۳ - جنبشی وابسته به القاعده در مغرب اسلامی - شناخته می‌شد، تا سپتامبر ۲۰۱۲ ریاست «حسبه» را برعهده داشت و با دادگاه اسلامی تیمبوکتو^۴ همکاری می‌کرد. در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵، حکم بازداشت وی صادر شد. وی به عنوان مشارکت‌کننده در جنایت جنگی حمله عمدی به ساختمان‌های مذهبی و تاریخی تیمبوکتو در مالی طی ژوئن و ژوئیه ۲۰۱۲ محکوم شد و در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۶، به نه سال حبس محکوم گردید که مدت زمان بازداشت قبلی وی از این حکم کسر شد. در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۱، دادگاه حکم آقای المهدی را دو سال کاهش داد و تاریخ پایان محکومیت وی به ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲ تعیین گردید. همچنین، دستور جبران خسارت برای قربانیان توسط قضاوت صادر شده که این حکم قطعی می‌باشد.^۵ آقای المهدی، به اتهام ارتکاب جنایت جنگی بر اساس مواد ۲۵(الف)(۳) تا (د) اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، به دلیل نقش مؤثر در هدایت عمدی حملات به ده بنای تاریخی و مذهبی تیمبوکتو شامل آرامگاه‌های سیدی محمود بن عمر محمد آکویت، شیخ محمد محمود الاروانی، شیخ سیدی مختار بن سیدی محمد بن شیخ الکبیر، آلفا مویا، شیخ سیدی احمد بن عمار الرقادی، شیخ محمد المیکي، شیخ عبدالقاسم

1. The Prosecutor v. Germain Katanga, ICC REP, Judgment, Situation in the Democratic Republic of the Congo
2. Ahmad Al Faqi Al Mahdi
3. Ansar Eddine
4. Islamic Court of Timbuktu
5. The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, ICC REP, Judgment, <https://www.icc-cpi.int/mali/al-mahdi>



عطواتی، احمد فلائه، بهابر بابادیه و درب مسجد سیدی یحیی در فاصله ۳۰ ژوئن تا ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۲ تحت تعقیب قرار گرفت. این بناها که بخشی مهم از میراث فرهنگی مالی محسوب می‌شدند و فاقد هرگونه کاربرد نظامی بودند، به دلیل ارزش مذهبی و تاریخی‌شان هدف تخریب عمدی قرار گرفتند. المهدی که به عنوان عضو گروه أنصارالدین (وابسته به القاعده در مغرب اسلامی) شناخته می‌شد، تا سپتامبر ۲۰۱۲ ریاست نهاد حسبه را برعهده داشت و با دادگاه اسلامی تیمبوکتو همکاری نزدیک می‌کرد. دیوان تأکید کرد تخریب این آثار که موجب آسیب شدید یا نابودی کامل آنها شد، تأثیر عمیقی بر جامعه محلی گذاشته است.^۱ پرونده دیوان کیفری بین‌المللی درباره احمد الفقی المهدی با بررسی تخریب عمدی آثار فرهنگی و تاریخی در کشور مالی، گامی مهم در پیشرفت حقوق بین‌المللی کیفری برداشت. این پرونده نخستین موردی بود که دیوان، نابودی دارایی‌های فرهنگی و مذهبی را به عنوان جنایت جنگی مستقل بررسی کرد و ثابت کرد که حمله به میراث فرهنگی نه تنها تخریب اموال، بلکه جنایتی علیه همه انسان‌ها به شمار می‌آید. دیوان با استناد به قوانین بین‌المللی مربوط به جرائم جنگی تأکید کرد که نابودی بناهای تاریخی و مذهبی در جنگ‌های داخلی نیز نمونه بارزی از نقض شدید قوانین بشردوستانه محسوب می‌شود. این تصمیم با گسترش مسئولیت کیفری بین‌المللی شامل جرائم علیه میراث فرهنگی، چارچوب جدیدی برای محافظت از گنجینه‌های فرهنگی در حقوق جهانی ایجاد کرد و راه را برای رسیدگی به موارد مشابه در آینده هموار ساخت.

پرونده دیگر مربوط است به دومینیک اونگون^۲ که در آن، دیوان به موضوع نقض فاحش پرداخت و از این طریق به توسعه حقوق بین‌المللی کیفری پرداخت. محاکمه دومینیک اونگون، فرمانده پیشین گردان سینیا در گروه شورشی موسوم به «ارتش مقاومت پروردگار»، در سال ۲۰۱۶ آغاز گردید. پس از پایان مرحله ارائه مدارک توسط دادستان و دفاع، و همچنین، شنیدن شهادت‌های شاهدان معرفی شده از سوی وکلای مدافع قربانیان، رییس دادگاه در بیست و یکم آذر ۲۰۱۹ رسماً، پایان مرحله جمع‌آوری شواهد را اعلام نمود. هیات دادرسی شماره نه متشکل از سه قاضی به ریاست قاضی اشمیت، در پانزدهم بهمن ۲۰۲۰، وی را به ارتکاب شصت و یک جنایت شامل جنایات ضد بشریت و جنایات جنگی در شمال کشور اوگاندا محکوم کرد و حکم بیست و پنج سال حبس را برای وی صادر نمود. دادگاه تجدیدنظر نیز حکم محکومیت و مجازات را تأیید کرد و سرانجام، اونگون برای تحمل دوران محکومیت به کشور نروژ منتقل شد.^۳ در ۴ فوریه ۲۰۲۱، دیوان کیفری بین‌المللی، دومینیک اونگون را فراتر از هر شک معقولی به ارتکاب

1. The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, ICC REP, Situation in the Republic of Mali, <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CaseInformationSheets/Al-MahdiEng.pdf>

2. Dominic Ongwen

3. The Prosecutor v. Dominic Ongwen, ICC REP, Appeals judgment on the sentence, <https://www.icc-cpi.int/uganda/ongwen>

۶۱ جنایت که به عنوان جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در اوگاندا بین ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵ طبقه‌بندی شده بودند، گناهکار شناخت. این جنایات شامل: (۱) حملات علیه غیرنظامیان، قتل، اقدام به قتل، شکنجه، بردگی، توهین به حیثیت انسانی، چپاول، تخریب اموال و آزار و اذیت در چهار حمله مشخص به اردوگاه‌های آوارگان داخلی در پاچول (۱۰ اکتبر ۲۰۰۳)، اودک (۲۹ آوریل ۲۰۰۴)، لوکودی (۱۹ می ۲۰۰۴) و آبوک (۸ ژوئن ۲۰۰۴)؛ (۲) جنایات جنسی و جنسیتی از جمله ازدواج اجباری، شکنجه، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، بارداری اجباری و توهین به حیثیت انسانی علیه هفت زن ربوده شده که در خانوار وی نگهداری می‌شدند؛ (۳) جنایات جنسی و جنسیتی اضافی علیه دختران و زنان در گردان سینیا شامل ازدواج اجباری، شکنجه، تجاوز جنسی و بردگی؛ و (۴) جرم سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال برای گردان سینیا و استفاده از آنان در درگیری‌های مسلحانه بود.^۱ این پرونده به جنایات گسترده‌ای از جمله حملات علیه غیرنظامیان، استفاده از کودکان سرباز و اعمال خشونت‌های جنسی در اوگاندا پرداخت و از چند جهت حائز اهمیت بود: نخست آنکه دیوان با بررسی وضعیت متهم به عنوان همزمان قربانی و مرتکب جنایت، تفسیر نوینی از مسئولیت کیفری افراد تحت شرایط اجبار و فشار ارائه داد. دوم آنکه این پرونده با تأکید بر مسئولیت فرماندهی، معیارهای جدیدی برای تعیین حدود مسئولیت رهبران گروه‌های شورشی در نقض قوانین بشردوستانه تعیین کرد. همچنین، رأی دیوان در این پرونده با تفکیک دقیق میان اجبار و مسئولیت کیفری، چارچوب حقوقی روشنی برای رسیدگی به موارد مشابه ایجاد نمود و نشان داد که حتی افرادی که خود قربانی جنایات بوده‌اند، در صورت ارتکاب نقض فاحش حقوق بشردوستانه، نمی‌توانند از مسئولیت کیفری بگریزند. این رویکرد توسعه یافته در تفسیر قوانین بین‌المللی، مسیر جدیدی در رسیدگی به جرائم جنگی گشود.

بحث و نتیجه‌گیری

نقض‌های فاحش به عنوان شدیدترین تخلفات از قواعد بشردوستانه، نقشی محوری در شکل‌گیری و تحول نظام حقوق کیفری بین‌المللی ایفا کرده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه رویه محاکم بین‌المللی، از دیوان‌های ویژه یوگسلاوی و رواندا تا دیوان کیفری بین‌المللی، با تفسیر گسترده از مفاهیمی مانند جنایت جنگی، مسئولیت فرماندهی و مشارکت فعال در درگیری‌ها، چارچوبی مستحکم برای پیگرد نقض‌های فاحش ایجاد کرده‌اند. پرونده‌هایی مانند لوانگا (استفاده از کودکان سرباز)، کاتانگا (حملات علیه غیرنظامیان)، المهدی (تخریب میراث فرهنگی) و اونگون (خشونت‌های جنسی و سربازگیری کودکان) گواهی بر این ادعاست که نقض فاحش نه تنها موجب جرم‌انگاری رفتارهای غیرانسانی شده، بلکه معیارهای جدیدی برای مسئولیت کیفری

1. The Prosecutor v. Dominic Ongwen, ICC REP, Situation in Uganda.
<https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/2025-04/OngwenEng.pdf>



فردی و جمعی تعیین کرده است. این پرونده‌ها تأکید می‌کنند که حتی در درگیری‌های غیربین‌المللی، نقض سیستماتیک قواعد بشردوستانه می‌تواند به محکومیت بین‌المللی منجر شود. علاوه بر رویه دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا نیز سهم بسزایی در توسعه حقوق کیفری بین‌المللی از طریق رسیدگی به نقض‌های فاحش داشته‌اند. دادگاه یوگسلاوی با پرونده‌هایی مانند تادیچ و کرستیچ، برای نخستین بار اصول مسئولیت فردی در نقض قوانین بشردوستانه را در درگیری‌های غیربین‌المللی تثبیت کرد و مفهوم «جنایت علیه بشریت» را در چارچوب جنگ‌های داخلی توسعه داد. به‌طور مشابه، دادگاه رواندا در پرونده آکایسو با شناسایی «تجاوز جنسی» به عنوان مصداق نسل‌کشی، مرزهای حقوق کیفری بین‌المللی را گسترش داد. این آراء نه تنها پایه‌های نظری حقوق بین‌الملل کیفری را تقویت کردند، بلکه الگویی عملی برای دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جرائم مشابه ایجاد نمودند. با نگاهی کلی، تحول حقوق کیفری بین‌المللی نشان‌دهنده گذار از یک نظام مبتنی بر حاکمیت مطلق دولتها به سمت نظامی است که در آن، مسئولیت فردی و حمایت از کرامت انسانی در اولویت قرار دارد. رویه یکپارچه دادگاه‌های بین‌المللی ثابت کرده است که نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو، فارغ از جغرافیا یا نوع درگیری، باید به‌صورت جدی پیگیری شوند. هرچند چالش‌هایی مانند نفوذ سیاسی و محدودیت‌های اجرایی همچنان وجود دارد، اما تشکیل این محاکم بین‌المللی گامی بلند به سوی تحقق عدالت برای قربانیان جنایات جنگی بوده است. در آینده، تقویت همکاری بین‌المللی و افزایش ضمانت‌های اجرایی می‌تواند کارایی این نظام را در مقابله با نقض‌های فاحش افزایش دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو به عنوان موتور محرکه توسعه حقوق کیفری بین‌المللی عمل کرده و با تلفیق حقوق بشردوستانه و کیفری، سازوکارهای مؤثری برای مقابله با بی‌کیفری ایجاد نموده است. با این حال، چالش‌هایی مانند ضعف مکانیسم‌های اجرایی و سیاست‌زدگی نهادهای بین‌المللی همچنان پابرجاست و نیازمند اصلاحات ساختاری است.

منابع

- تختائی نژاد، سیروس؛ گل‌خندان، سمیرا و رجبی، اکبر. (۱۴۰۱). نحوه تحقیق و تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱۰)، ۹۴۸-۹۳۵.
- https://jou.spsiran.ir/article_156636.html
- دیهیم، علیرضا. (۱۳۸۴). *درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم. اداره نشر وزارت امور خارجه.
- رضازاده سلطان آباد، محمد. (۱۴۰۳). *فرآیند جرم‌انگاری نقض‌های فاحش در حقوق کیفری بین‌المللی*. *اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوظهور در مدیریت و حقوق با رویکرد شعار سال، تهران*.
- <https://civilica.com/doc/2152072/>

- رضوانی، خدیجه. (۱۴۰۲). اهداف تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY). گفت‌وگو حقوقی (جامعه‌المصطفی‌العالمیه)، ۱۲(۲۳)، ۱۵-۵.

https://ild.journals.miu.ac.ir/article_8606.html

- رئیس، لایلا؛ صالحی، کفایت و راعی، مسعود. (۱۳۹۸). صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲(۷)، ۴۵۱-۴۲۴.

https://jou.spsiran.ir/article_151263.html

- سبحانی، محمدرضا. (۱۳۹۹). چالش‌های دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو. فصلنامه حقوق بین‌المللی کیفری، ۱(۱)، ۱۲۵-۱۱۰.

<https://www.magiran.com/p2198173>

- سلیمی، صادق؛ شاملو، سوده و فرهادی، فروه. (۱۴۰۲). تأملی بر جنبه‌های نظری و عملی همکاری دولت‌های ثالث با دیوان بین‌المللی کیفری. پژوهش‌های حقوقی، ۲۲(۵۴)، ۶۸-۴۱.

https://jlr.sdil.ac.ir/article_153386.html

- سلیمی، صادق؛ شیری، مرتضی؛ رستم‌زاد، حسینقلی. (۱۴۰۳). تعامل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر با تأکید بر رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی (مقاله علمی وزارت علوم). پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۵۱(۲۹)، ۱۳۲-۱۱۷.

https://jol.guilan.ac.ir/article_7263.html

- سیدی، مهرداد. (۱۳۷۳). دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق. حقوقی بین‌المللی، ۱۳(۱۸ و ۱۹)، ۴۱۴-۳۸۱.

https://www.cilamag.ir/article_18302.html

- شریفی طراز کوهی، حسین. (۱۳۹۰). حقوق بشردوستانه بین‌المللی. چاپ اول. انتشارات میزان.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل بشردوستانه. چاپ دوم. انتشارات گنج دانش.
- طباطبایی، سید احمد. (۱۳۸۴). دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا. حقوق خصوصی، ۳(۹)، ۶۶-۳۵.

https://jolt.ut.ac.ir/article_18366.html

- نژندی منش، هیبت‌الله؛ زحمتکش، مجید؛ حسینی آزاد، سید علی. (۱۳۹۹). تأملی در امکان‌سنجی اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرائم زیست‌محیطی. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۲۲)، ۲۷۰-۲۴۳.

https://jol.guilan.ac.ir/article_4538.html

- نمایان، پیمان؛ عیسیان، عارفه. (۱۴۰۲). شناخت کاربست قدرت نرم در مقابله با مخاصمات مسلحانه؛ از پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو تا قلمرو نظام حقوقی ایران با نگاهی به رویکرد جمهوری عربی مصر. مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۲(۱)، ۴۴-۳۳.

https://lcs.ilam.ac.ir/article_709985.html

- یاقوتی، ابراهیم؛ بهلولی، عزیزه. (۱۳۹۸). مجازات جرم نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان‌های رواندا و یوگسلاوی. فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ۱(۱)، ۱۵۵-۱۳۵.

https://journal.ihrci.ir/article_83019.html

- Baxter, R. R. (1955). The Geneva Conventions of 1949 Before the United States Senate. *American Journal of International Law*, 49(4), 550-555.
<https://doi.org/10.1017/S0002930000170332>



- Blank, L.R. (2011). Understanding when and how domestic courts apply IHL. *Case Western Reserve Journal of International Law*, 44, 205.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/cwrint44&div=14&id=&page=>
- Ezeh, G. C. (2023). Critical Analysis of Suppression and Punishment for Grave Breaches of the Law of Wars. Available at SSRN 4519127.
<https://ssrn.com/abstract=4519127>
- Clapham, A., Gaeta, P., Sassòli, M., & van der Heijden, I. (Eds.). (2015). *The 1949 Geneva conventions: a commentary*. Oxford University Press.
- Footer, K. H., & Rubenstein, L. S. (2013). A human rights approach to health care in conflict. *International Review of the Red Cross*, 95(889), 167-187.
<https://doi.org/10.1017/S1816383113000349>
- Moir, L. (2009). Grave breaches and internal armed conflicts. *Journal of International Criminal Justice*, 7(4), 763-787.
<https://academic.oup.com/jicj/article-abstract/7/4/763/857123>
- Öberg, M. D. (2009). The absorption of grave breaches into war crimes law. *International Review of the Red Cross*, 91(873), 163-183.
<https://doi.org/10.1017/S181638310999004X>
- Pak, H. C., Son, H. R., & Jong, S. G. (2022). Analysis on the Legal Definition of Jus Cogens Provided in Article 53 of the Vienna Convention on the Law of Treaties. *International Studies*, 59(4), 315-335.
<https://doi.org/10.1177/00208817221136375>
- Prosecutor v. Radislav Krstić, ICTY REP, Judgment,
<https://www.icty.org/x/cases/krstic/acjug/en/>
- Prosecutor v. Radislav Krstić, ICTY REP, Judgment,
<https://www.icty.org/x/cases/krstic/acjug/en/>
- Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo. (2008). ICC REP, Appeal judgement, Situation in the Democratic Republic of the Congo.
<https://www.icc-cpi.int/court-record/icc-01/04-01/06-1487>
- Tannenwald, N. (2017). Assessing the effects and effectiveness of the Geneva Conventions. *Do the Geneva Conventions Matter*, 1-34.
<https://doi.org/10.1093/oso/9780199379774.003.0001>
- Vrdoljak, A. F. (2018). Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi: judgment and Sentence & Reparations Order (Int'l Crim. Ct.). *International Legal Materials*, 57(1), 17-79.
<https://www.icc-cpi.int/mali/al-mahdi>
- Mushoriwa, L. (2024). The Prosecutor v Dominic Ongwen case before the International Criminal Court: A Twail-er's perspective. *SACJ*, 1.
<https://www.icc-cpi.int/uganda/ongwen>
- The Prosecutor v. Duško Tadić. (1997). ICTY Report, *International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY) Trial Chamber II*.
<https://www.refworld.org/jurisprudence/caselaw/icty/1997/en/40193>
- Yang, G. (2015). The Grave Breaches Regime of the 1949 Geneva Conventions: Origins, Developments and Prospects. *Historical Origins of International Criminal Law*, 3, 54-90.
<https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199207541.003.0007>
- Zyberi, G. (2018). Enforcement of International Humanitarian Law. *In International Human Rights Institutions, Tribunals, and Courts* (pp. 377-400). Springer, Singapore.
https://link.springer.com/rwe/10.1007/978-981-10-5206-4_14